# تأثیر فضای بعد از قرن یازدهم در فقه شیعی

ان شالله بعداً عرض میکنم با این مباحثاتی که ما میکنیم برخی از چیزها در فضای فقه یک جور تأسف بهدنبال دارد. الآن شما میبینید از قرن یازدهم به این طرف در متون فتوایی فقه ما -عرض کردم بیست صفحه از مستمسک را نگاه کنید- جذوری وجود دارد که برای قبل از قرن یازدهم است و یک چیزهایی دارد که از بعدش آمده است. شاید حتی در متن عروه هم هست؛ احوط این است که مواظبت بر قراء سبعه شود. ولو اگر بگوییم همین که بر نهج عربی خوانده شود مشکلی ندارد.

خب اگر این نهج عربی در متن فتاوا بیاید وقتی بحثها مستوعب کار میشود میبینید که یک معنای بسیار عجیبی دارد. شما اجازه بدهید قرآن را در نماز و غیر از نماز بخوانیم در وراء قراء سبعه که هیچ، در وراء قراء عشره که هم هیچ، در وراء قرائات هم هیچ، علی النهج العربی! این همانی است که ابن مقسم را در زمان غیبت صغری به خاطرش تادیب کردند. در پایان غیبت صغری ابن المقسم همین را میگفت. میگفت حتماً لازم نیست شیخ بگوید، همینکه مطابق مصحف باشد هر کسی عربیت آن را بخواند میگوید درست است. ابن المقسم این را میگفت.

الآن من عبارت سید مرتضی را آوردهام. عنوانی در فدکیه به نام کلمات سید مرتضی هست. ایشان

ذیل یک آیه روایتی میآورند و میگویند اگر روایت هست، قبول است و الا «لایجوز الابدال[1]». یعنی نهج عربی چیست؟! ان القرائة متبوعة؛ ما باید قرائت را به حجتی الی الشارع وصل کنیم.

شاگرد: فتوایی که میفرمودید تأسف بار میشود چه بود؟

استاد: در متن عروه هست که الاحوط القرائة باحدی القرائات السبع. به نظرم دنباله آن سید به این صورت دارند. ای در رابطه با دم و اماله در این بیست صفحه از مستمسک که عرض کرده بودم را ببینید.

شاگرد: ناظر به تجوید این حرف را نمیزنند؟

استاد: چرا، اما بحث طوری است که با هم مخلوط میشود. یعنی اگر تصریح بکنیم حرفی نیست. بگوییم تنها در محدوده ادا، نهج عربی کافی است. اما وقتی میگویید قرائات سبع و... باید چه کار کنیم؟

الأحوط القراءة بإحدى القراءات السبع وإن كان الأقوى عدم وجوبها ، بل يكفي القراءة على النهج العربي وإن كانت مخالفة لهم في حركة بنية أو إعراب**[2]**

یعنی حرکت بنائی و حرکت اعرابی که هیچ نصی هم ندارد، جایز است که شما بخوانید.

شاگرد: مشکل دارد؟

استاد: همه با آن معیت می‌کنند. برای فضای بعد از قرن یازدهم است. استاد ما می‌گفت : ابوحنیفه گفت «اما الکتاب فعلی الراس و العین، اما السنه فعلی الراس و العین، اما الائمه فهم رجال و نحن رجال». کتاب و سنت جای خودش، اما وقتی غیر کتاب و سنت پیش آمد چرا ما تابع آن‌ها باشیم؟! فهم رجال و نحن رجال. عبارت معروفی است. یعنی ما هم حرف می‌زنیم. خب روی مبنای حرف واحد، ما که حرف واحد را نمی‌دانیم. روی مبنای قرن یازدهم به بعد می‌گوییم آن را که نمی‌دانیم. اجماع هم داریم که این‌ها جایز است. از طرفی می‌دانیم که این‌ها اجتهادات این‌ها است، اما عاصم، اما ابن کثیر فهم رجال و نحن رجال. چطور شد وقتی او می‌خواند، قرآن باشد و جایز باشد اما وقتی من می‌خوانم جایز نباشد؟!

این بحث‌ها که صاف می‌شود می‌بینید اصلاً فضا عوض شده. اصلاً به این صورت نیست. لذا عرض کردم سید مرتضی ذیل آیه شریفه می‌فرمایند «و اما الابداع فلایجوز». یعنی اگر روایت دارید که حضرت خواندند خب مستند به نقل هستید. متبوع است. سنت متبعه است. اما اگر خودتان یک حرکت و ابداعی را یک جوری بخوانید، فلایجوز.

شاگرد: نهج العربیه ناظر به «هوّن علی امتی» نیست؟

استاد: اگر سید این حرف را در دم گفته بودند یا در نحوه ادا بود –که نمی‌توانست بخواند- خوب است. اما این را در قرائات سبع می‌گوید. بعد هم تصریح می‌کنند «حرکة بنیة او اعراب»، قراء سبع چقدر دقیق روی حرکت بنیة و اعراب صحبت می‌کنند. این جور نیست که در این فضا از خودش انسان بخواند. تازه این سابقه طولانی دارد. مرحوم صاحب مستند-آقای حکیم می‌گویند حرف ایشان خیلی غریب است- گفته‌اند حتی نیاز نیست قرآن را بر نهج عربی بخوانید! می‌گویند «هو غریب». صفحه ۲۳۴:

> نعم الذي صرح به في المستند عدم الدليل على وجوب قراءة القرآن على النهج العربي ، ولكنه في موضع من الغرابة ، فإن الهيئة مقومة للقرآن كالمادة ، مع أنه يلزم منه عدم لزوم المحافظة على حركات البنية أيضاً. فلاحظ[3]

**«نعم الذي صرح به في المستند عدم الدليل على وجوب قراءة القرآن على النهج العربي»**؛ نهج در اینجا همان لهجه عربی و خواندن است. **«ولكنه في موضع من الغرابة، فإن الهيئة مقومة للقرآن كالمادة»**؛ در مستمسک این را می‌گویند؛ مطلب بسیار درستی است. هیئت مثل ماده مقوم است. آن وقتی در بحث‌ها گیر می‌افتند و دچار اشکال می‌شوند با یک زحمتی می‌خواهند هیئت و ماده را جدا کنند. ممکن هم نیست. ان شاءالله مفصل راجع به آن‌ها بحث می‌کنیم. امروز هم می‌خواستم عبارت آقای شعرانی را در هیئت و ماده بخوانم که نشد. ولی هر کدام از این‌ها چیزهایی است که دست به دست هم می‌دهند.

---

[1]رسائل الشریف المرتضی؛ ج۳، ص: ۸۶؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا و وه علیه السلام ال يخطئ للعصمه و انما قال ذلك تعليما لنا.فأما القراءة بتسكين الياء، فان كانت مرويه و قد روي بها جازت، و الا فالإبداع غير جائز.

[2] مستمسک العروة الوثقی ج۶ ص۲۴۲

[3]همان ۲۳۴

---

بازبینی #2
ایجاد شده 20 آوریل 2024 14:05:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 14:46:56 توسط ... .